

# مدفونین حائر حسینی در «راقدون»

به کوشش: محمدحسین خوشنویس

## چکیده

سامی جواد الکاظمی المنذری، عضو هیئت تحریریه مجله احرار، اثر ارزشمندی به رشته تحریر درآورده که در آن، حدود هفتصد تن از بزرگان را که در حرم مطهر حسینی به خاک سپرده شده‌اند، نام برده است. این افراد شامل شهیدان هاشمی و غیرهاشمی کربلا، عالمان، دانشمندان، شاعران و ادیبان، صاحب‌منصبان، پادشاهان و نیز خانواده‌های معروفی است که در حائر حسینی مقبره خصوصی دارند. او نام اثر خود را «راقدون عند الحسین» گذاشته و در طلّیعه کتاب، دلیل و هدف از نگارش و روش‌های گردآوری مطالب کتاب را شرح داده است. نویسنده مقاله حاضر، پس از بیان وجه نامگذاری کتاب، معنای واژگان «راقد» و «حائر» را شرح داده و محدوده حائر حسینی و حرم حسینی را بر اساس منابع معتبر، تعیین کرده است و در پایان، به سنت به خاک سپردن اموات در کربلا اشاره کرده و چند تن بزرگان به خاک سپرده شده در حرم مطهر حسینی را نام برده است.

واژگان کلیدی: سامی جواد الکاظمی المنذری، حرم مطهر حسینی، کربلا، راقد، حائر

### پیش درآمد

کتاب راقدون عند الحسين عليه السلام، تالیف آقای سامی جواد الکاظمی المنذری عضو هیئت تحریریه مجله «احرار» آستان مقدس حرم حسینی است. این اثر ارزشمند که در ۴۸۴ صفحه و با قطع وزیری در تاریخ ۱۴۳۴ قمری در بیروت به چاپ رسید، در بردارنده اسامی حدود هفت صد تن از بزرگانی است که به واسطه همجواری با سرور شهیدان، ابا عبدالله الحسین عليه السلام به افتخاری ارزشمند نایل آمده‌اند که در قالب فهرستی کوتاه این گونه در کنار یکدیگر گرد آمده‌اند:

الف. ۱۷ تن از شهدای هاشمی کربلا.

ب. ۷۱ تن از شهدای غیرهاشمی کربلا به همراه ۲۱ تن دیگر.

ج. ۳۸۴ تن از عالمان، دانشمندان، شاعران و ادیبان.

د. ۱۰۷ تن از صاحب منصبان و پادشاهان، همراه با ۸۴ نفر دیگر.

در پایان نیز دوازده خانواده معروف کربلا که در حائر حسینی مقبره خصوصی دارند، معرفی شده‌اند.

### مقدمه

نویسنده در طلیعه کتاب از پنج سال تلاش خود در جمع آوری و تدوین کتاب حاضر سخن گفته و بیان کرده که از راه‌های گوناگون، مانند گفت‌وگو با کارشناسان و مصاحبه با

معمّرين و حتی سفر به کشورهای دیگر، جهت ملاقات با شخصیت‌های مورد نظر و مطالعه آثار خطّی و چاپی و پایگاه‌های اینترنتی، بهره برد؛ تا اثری کم نقص را تالیف کند.

مؤلف نسبت به هدف از نگارش چنین کتابی می‌نویسد:

با ورود به حرم مطهر امام حسین علیه السلام لوح‌های سنگی و تابلوهایی بر روی دیوار می‌دیدم که بر روی برخی از آنها نوشته شده بود: این قبر فلان شخصیت است که در فلان تاریخ از دنیا رفته است و نیز متوجه افرادی شدم که مانند من به این الواح نگاه می‌کنند و اطلاعاتی از زندگی این افراد ندارند.

از این رو، بر آن شدم که کتابی بنویسم تا به این گونه سوالات پاسخ گوید. گر چه برخی از این بزرگان به صورت پراکنده در برخی کتاب‌ها معرفی شده‌اند، اما دوست داشتم نام و زندگی نامه همه آنان را به طور مختصر و مفید، در یک کتاب گرد آورم. بنابراین، می‌توان ادعا کرد که چنین کتابی با این سبک و روش، برای اولین بار به نگارش درآمده است.

در ابتدای کتاب نیز نویسنده، متن اجازه روایتی خود را از استاد جعفر الهادی، همراه با تصویر وی و شیخ آقا بزرگ تهرانی و شیخ محمد رضا طبسی که از مشایخ اجازه استاد جعفر الهادی بوده‌اند، آورده است.

همچنین وی قبل از ورود به موضوع اصلی کتاب، به نکات زیر اشاره کرده است:

#### الف. عنوان کتاب: «راقدون»؛

نام کتاب، راقدون عند الحسین علیه السلام است.

مؤلف در این ارتباط می‌نویسد:

«راقد» در لغت به معنای «خوابیده»، و «رقود»، یعنی خوابیدن در شب و «راقاد» به معنای خوابیدن در روز است.<sup>۱</sup> به طور کلی، کلمه راقد نسبت به کلمه مدفون، اثر بهتری در جان گوینده و شنونده می‌گذارد و دارای بار منفی نیست و به همین دلیل درباره محلّ به خاک سپاری بزرگان دین، از اسم مکان راقد، یعنی مرقد استفاده می‌شود و استفاده از مدفون، رایج نیست.<sup>۲</sup> گر چه گاهی کلمه مرقد درباره کفار نیز به کار رفته که به همان معنای لغوی، یعنی خوابگاه است؛ اما آن حسن معنوی، ضمیمه آن نمی‌شود. در قرآن آمده است: ﴿و یا ویلنا

من بعثنا من مرقدنا﴾<sup>۳</sup>

این آیه از زبان کفار است؛ یعنی «ای وای بر ما! چه کسی ما را از خوابگاهمان برانگیخته است؟ بنابراین، واژه راقده، مناسب‌تر از دفن است؛ زیرا دفن در لغت به معنای پنهان کردن و از جلوی چشم دور کردن است و «داء دفین» نیز به نوعی بیماری گفته می‌شود که در بدن مخفی شده باشد.

تدافن نیز به معنای پنهان کاری افراد از یکدیگر است.<sup>۴</sup> در روایتی آمده است: «لو تکاشفتم ما تدافنتم فاتقوا الله»<sup>۵</sup>؛ اگر آن چه را که پنهان می‌کردید، برای یکدیگر بیان می‌کردید، پس از خدا بترسید و تقوا داشته باشید [از خدا بخواهید رسوایتان نسازد].

بر خلاف لفظ مرقد که لطافت معنایی خاصی دارد، گویا لفظ مدفن بر روح و جان انسان سنگینی می‌کند و به همین دلیل است که برای امور منفی، مثل بیماری‌ها یا صفات رذیله و یا برای بیان محل قبر دشمنان دین به کار می‌رود؛ چون در اصطلاح مرقد، یک نوع احترام و بزرگداشت نفهته است.

به خلاف مدفن، کلمه دفن و هم خانواده‌هایش، توسط کفار و دشمنان دین و دینداری نسبت به اولیای دین و مومنین به کار گرفته می‌شوند.

#### ب. حائر حسینی؛<sup>۶</sup>

حائر در لغت، زمینی را گویند که آب باران در آن جمع شده است و به دور خویش می‌چرخد و از آن خارج نمی‌شود.<sup>۷</sup> حیران شدن آب و گردش به دور خودش، باعث نام گذاری به «حائر» شده است و در گویش محلی به شکل «حیر» هم تلفظ می‌شود. «حائر» در عرف شیعه، تنها و تنها نام مرقد امام حسین علیه السلام است. یاقوت حموی می‌نویسد: حائر، قبر حسین بن علی است<sup>۸</sup> و به همین دلیل است که «حائر» واژه مفردی است که جمع ندارد.

زبیدی می‌نویسد:

حائر، نام مکانی است در عراق که مشهد امام مظلوم شهید حسین بن علی بن ابیطالب علیه السلام است.<sup>۹</sup> گاهی به تمام کربلا نیز حائر گفته می‌شود و در شهرهای دیگری مانند بصره، سامراء و یمامه<sup>۱۰</sup> نیز مناطقی به نام حائر وجود دارد؛ اما فقط مشهد حسینی به این نام شهره شد و تنها منسوبین به این شهر مقدس را «حائری» می‌گویند.

در علت نام گذاری مرقد شریف امام حسین علیه السلام به حائر، چند قول مطرح شده، اما مشهورترین آنها این است که پس از فرمان متوکل عباسی مبنی بر تخریب مرقد مطهر و آب بستن به آن، آب به قبر نزدیک شد؛ ولی روی آن را نبوشایند و دور تا دور قبر مطهر حلقه زد.

### محدوده حائر حسینی<sup>۱۱</sup>

از مرقد شریف امام حسین علیه السلام بیست تا بیست و پنج ذراع از هر طرف را حائر حسینی می گویند.<sup>۱۲</sup> این محدوده به مقیاس و اندازه امروزی، محیطی به وسعت بیست و سه متر مربع را در بر می گیرد و به قول شیخ مفید، به نحوی است که قبور مطهر شهدا را هم شامل می شود.<sup>۱۳</sup>

علامه مجلسی می نویسد: درباره محدوده حائر حسینی، اختلاف نظر است؛ اما ظاهراً تمام صحن را در بر می گیرد.<sup>۱۴</sup> این محدوده، مطابق مقیاس روز ما، پانزده هزار متر مربع می شود. کمترین محدوده ای که برای حائر گفته شده، محیط زیر قبه و بیشترین آن نیز در مورد تمام شهر کربلا بیان شده است.

در این کتاب نام و زندگی نامه افرادی ذکر شده که در محدوده صحن شریف و حجره‌ها آرمیده‌اند. بنابراین مینا، ابن فهد حلّی<sup>۱۵</sup> که در فاصله چند صد متری حرم به خاک سپرده شده، مشمول موضوع کتاب نمی شود؛ چون مطابق نظری که علامه مجلسی از محدوده حائر برگزیده است و مبنای اثر حاضر نیز می باشد، وی در خارج از حائر به خاک سپرده شده است.

با این حال، خانه‌ها و مدارس و مساجدی که دیوار به دیوار حرم مطهر بوده و در طرح توسعه حرم، بخشی از آنها داخل صحن شده اند،<sup>۱۶</sup> در محدوده حائر حسینی می باشند و به همین دلیل، افرادی که در این مکان‌ها آرمیده‌اند، نامشان در این کتاب آمده است. نویسنده در ادامه به تبیین مشخصات داخلی و خارجی حرم می پردازد و به تعداد حجره‌ها و رواق‌ها و نام هر یک اشاره می کند و بعد به صورتی فهرست وار، به معرفی مقابر خانوادگی موجود در حرم و حجره‌ها و محل‌هایی مثل کشک خانه<sup>۱۷</sup> که در گذشته وجود داشت و اکنون فقط نامی از آن مانده، می پردازد.

### ج. حَرَمِ حَسینی؛

طبق روایات رسیده، حرم حسینی بسیار وسیع تر از حائر است؛ به نحوی که حائر در مرکز آن واقع می‌شود. محدوده‌ای که برای حرم حسینی در روایت امام صادق علیه السلام<sup>۱۸</sup> آمده، یک فرسنگ در یک فرسنگ از چهار طرف می‌باشد که محیطی در حدود سی کیلومتر مربع را در بر می‌گیرد.

امام حسین علیه السلام این سرزمین را هنگام فرود آمدن در کربلا از صاحبانش که در غاضریه و نینوا بودند، به شصت هزار درهم خریداری کرد و با فروشندگان شرط کرد که سه روز از زائرانش پذیرایی کنند و ایشان را به سوی مرقدش هدایت نمایند.<sup>۱۹</sup>

د. سنت به خاک سپاری در کربلا؛

پیکر مقدس امام حسین علیه السلام و شهدای کربلا به این خاک، تقدس بسیار داده و پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام، به ویژه عالمان و بزرگان، شوق فراوانی داشته‌اند که منزل آخرشان در جوار مرقد پاک سید الشهداء علیه السلام باشد.

برخی از نویسندگان معاصر به نقل از مدینه الحسین، نوشته سید محمد حسن کلیدار، معتقدند که اولین کسانی که در کنار مرقد نورانی امام حسین علیه السلام به خاک سپرده شدند، جمعی از اصحاب امام صادق علیه السلام، مثل سلمان بن مهران اعمشی، حسن بن محبوب، ابو حمزه ثمالی و عقبه بن عمیق سهمی بوده‌اند؛ اما به نظر می‌رسد که اولین هاشمی که در حائر آرمید، سید ابراهیم مجاب می‌باشد. او فرزند محمد عابد و نوه امام موسی کاظم علیه السلام بود که از کوفه به کربلا رفت و ساکن حائر شد و به وسیله ماموران متوکل، بسیار صدمه دید. او اولین کسی است که فرزند بزرگش به حائری معروف شد.<sup>۲۰</sup>

یکی از اصحاب امام رضا علیه السلام به نام عثمان بن عیسی<sup>۲۱</sup> نیز اولین غیرهاشمی بوده که در حائر حسینی، آرمیده است.

جعفر خلیلی در بخش پنجم از جزء هشتم موسوعه عتبات که مربوط به کربلاست، نوشته‌های برخی از جهان گردان اروپایی نسبت به انتقال جنازه به کربلا را نقل کرده است.<sup>۲۲</sup>

«جان اشرف»، عضو جمعیت جغرافی دانان سلطنتی لندن که از عراق و ایران، دیدار کرده

است، می‌نویسد:

پیکرهای بی جان بزرگان و صاحب منصبان شیعه و کسانی که قدرت مالی خوبی دارند و از پرداخت هزینه‌های این انتقال بر می آیند، به کربلا آورده می‌شود... گاهی در یک قافله، بیش از هزار پیکر انتقال می‌یابد و حداقل دو نفر همراه هر پیکر می‌باشند.

نویسنده، کتاب‌های مدینه الحسین، نوشته سید محمد حسن کلید دار، تاریخ مراقد الحسین، نوشته سلمان آل طعمه، مشاهیر به خاک سپرده شده در کربلا، نوشته ابراهیم زنگنه و اعلام کربلا، نوشته احمد حائری را از منابع کتاب خویش معرفی کرده، اما معتقد است که تا کنون کتابی با این موضوع، منتشر نشده است.

وی در پایان چند نکته زیر را بیان می‌کند:

۱. تعداد دقیق شهدای کربلا، محل اختلاف میان مورخین است. بنابراین سعی شده تا

با جست و جو، نزدیک ترین عدد به واقع به دست آید.

۲. در برخی کتاب‌های تاریخی نقل شده که فلان شخص در مشهد امام حسین علیه السلام

به خاک سپرده شده، در حالی که منظور از مشهد حسین، کربلا نیست؛ بلکه مثل مشهد الحسین در شهر حلب است که همان مقام راس الحسین<sup>۲۳</sup> است و یا منظور مقبره‌هایی است که به نام امام حسین علیه السلام نام گذاری شده‌اند. بنابراین، باید توجه داشت که مشهد الحسین نامی مشترک در میان چند منطقه است و ما با کنکاش دقیق، از بروز چنین اشتباهاتی جلوگیری نموده‌ایم.

برای نمونه، بخش‌هایی از کتاب را انتخاب کرده، در پنج ردیف به محضران ارائه

می‌کنیم:

### ۱. جون بن حرّی؛

جون بن حرّی بن قتاده بن اعور بن مساعده بن عوف، برده ای سیاه پوست بود که امیر مومنان علی بن ابیطالب علیه السلام او را به مبلغ صد و پنجاه دینار از فضل بن عباس بن عبدالمطلب خرید. او همراه ابوذر، صحابی بزرگوار رسول خدا صلی الله علیه و آله بود؛ تا این که ابوذر از دنیا رفت.

پس از فوت ابوذر، او به اهل بیت علیهم السلام پناه آورد و در رکاب امیرمومنان علیه السلام و امام مجتبی علیه السلام و بعد همراه امام حسین علیه السلام بود و در سفر امام از مدینه به مکه و بعد به عراق، امام علیه السلام را تنها نگذاشت و همیشه یار وفادار آن حضرت بود و با این که او در سال ۶۱ هجری، پیرمرد شده بود.

علامه مجلسی می‌نویسد:

در روز عاشورا، وقتی نبرد آغاز شد، «جون» از امام حسین علیه السلام اجازه رفتن به میدان گرفت. اباعبدالله علیه السلام در پاسخ به او فرمود: ای جون! تو در هر حال از طرف مأذونی؛ تو با ما آمده بودی؛ تا در عافیت و آسایش زندگی کنی؛ پس خودت را به در دسر نینداز و گرفتار ما نشو.

جون خودش را روی قدم‌های امام حسین علیه السلام انداخت و آنها را بوسید و گفت: ای پسر رسول خدا! آیا در گشایش و آسایش در کنار تان باشم؛ اما در سختی و دشواری، رهایتان سازم! درست است که بوی تنم بد و حسب و نسبم حقیر و رنگم سیاه است، اما شما تفضلی کنید و در بهشت از نفس مسیحایی تان بر من بدمید؛ تا بویم خوش گردد و شرافت پیدا کرده، رنگم سفید گردد. نه به خدا قسم! از شما جدا نمی‌شود؛ تا این که این خون آلوده من، با خون پاک و مطهر شما آمیخته گردد.

این جا بود که امام علیه السلام او را دعا کرد و به میدان فرستاد.

جون هنگام نبرد، این گونه رجز می‌خواند:

گناهکاران، ضربت شمشیر بران غلام سیاه را چگونه می‌بینید که از فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله دفاع می‌کند و امید به شفاعت و نجات دارد.

او پس از به هلاکت رساندن ۲۵ نفر از لشکر دشمن، به شهادت رسید.<sup>۲۴</sup>

## ۲. سوید بن عمرو خثمی؛

سويد، پیرمردی شریف و عابد و روشن ضمیر بود. در احوالات او نوشته اند: بسیار نماز می‌گذارد. وی روز دهم محرم سال ۶۱ هجری قمری، نزد امام حسین علیه السلام شرفیاب شد و بعد از اجازه میدان گرفتن، آن قدر شمشیر زد و زخم داشت که توان ایستادن نداشت و با صورت روی زمین افتاد.

سپاه عمر سعد به خیال این که سويد به شهادت رسیده، بالای سرش آمدند و شمشیرش را برداشته، او را به حال خود رها کردند.

سويد هنوز زنده بود؛ اما رمقی برایش نمانده بود و توان حرکت نداشت ... کمی بعد صداهایی در گوشش پیچید که حسین کشته شد... حسین کشته شد... کمی که حالش جا آمد، باز حمت برخاست و با خنجرى که در شال کمر داشت، چند نفر را زخمی کرد و چند نفر را



هم به هلاکت رسانید؛ تا این که توسط «عروه بن بکار» و «زید بن ورقاء»، به شهادت رسید. بدین ترتیب، او تنها سرباز جان بر کفی بود که بعد از امام حسین علیه السلام به این مقام والا نایل آمد و او آخرین شهید دشت نینوای سال ۶۱ قمری است. او در رجز خویش چنین گفت: ای حسین! پیش بیا که امروز در بهشت، جدت رسول خدا صلی الله علیه و آله و پدرت علی مرتضی علیه السلام را ملاقات می کنی و شیر خدا حمزه و جعفر طیار را.<sup>۲۵</sup>

### ۳. خاندان نصرالله؛

آل نصر الله، سادات بزرگواری هستند که نسبتشان به سید ابراهیم مجاب، نوۀ امام موسی بن جعفر علیه السلام می رسد. آنان دارای سه مقبرۀ خانوادگی در حرم امام حسین علیه السلام می باشند که یکی داخل حرم، نزدیک مرقد جدشان، سید ابراهیم است. بزرگ این خاندان، سید نصرالله، متوفای سال ۱۰۹۳ ق. است. وی که حدّ اعلاّی سادات آل نصر الله می باشد، در این مکان به خاک سپرده شده است. باید توجه داشت که او غیر از شاعر معروف اهل بیت، سید نصرالله حائری، متوفای سال ۱۱۶۶ ق. است.

همچنین فرزند سید نصر الله، سید کاظم و نوه اش، سید جواد که کلید دار روضۀ منوره نیز بود، در این محل آرمیده اند. سید جواد بعد از حملۀ وهابیون، از سال ۱۲۱۷ تا ۱۲۲۲ ق. به دستور عثمانی ها این سمت را داشته است. فرزند سید جواد، یعنی سید علی که به سید علی ذو طویل معروف است و جدّ اعلاّی آل طویل می باشد، پس از پدرش به سمت کلید داری حرم مطهر امام حسین علیه السلام رسید. آل طویل شاخه ای از خاندان بزرگ آل نصر الله است.

مقبرۀ دوم این خانواده، در سمت جنوب غربی رواق غربی حرم امام حسین علیه السلام واقع شده است. معروف ترین شخصیتی که در این مقبره آرام گرفته، سید ناصر، فرزند سید علی احمد آل نصرالله است که دارای شخصیت اجتماعی قابل توجهی میان مردم بوده است. مقبرۀ سوم در سمت راست باب شهدا قرار دارد.

سید علی احمد آل نصرالله، پدر سید ناصر در این مکان آرمیده است. سید علی، کلیددار حرم حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام و عضو دادگاه محلی کربلا بوده است.

سید مهدی، فرزند سید منصور و نوۀ سید ناصرالدین که کلیددار حرم امام حسین علیه السلام بود نیز در ایوان طلای حرم امام حسین علیه السلام به خاک سپرده شده است.

در این کتاب نام چهار بانو نیز آمده است:

#### الف. آسیه قاجاریّه، دختر فتحعلی خان دلوی قاجاری؛

این بانوی فاضل، همسر فتحعلی شاه قاجار و دختر عموی او بود که در سال ۱۲۳۰ ق. از دنیا رفت. این بانو به واسطه نذری که داشته، خدمات ارزشمندی را، مانند طلا کاری ایوان، تعمیرات بنای حرم مطهر و بازسازی بخشی از شهر کربلا انجام داد. این خدمات تا حدود زیادی غبار فقر و محرومیت را از چهره کربلا زدود؛ اما اجلش مهلت نداد؛ تا به تمام آن چه در نذر خویش تعهد کرده بود، عمل کند؛ ولی به احترام او، به تمام نذرش جامه عمل پوشاندند.<sup>۲۶</sup>

#### ب. ایران خاتون؛

او در قرن هفتم هجری می زیسته است. ایران خاتون، بانوی شایسته ای از پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام بود. او وصیت کرد که در حرم امام حسین علیه السلام به خاک سپرده شود.<sup>۲۷</sup>

#### ج. خانم خانم، دختر شاه اسماعیل صفوی و خواهر شاه طهماسب؛

او بانویی مومن از پیروان و دوست داران مکتب اهل بیت علیهم السلام بود و بسیار اهل خیر و صلاح بود و در سال ۹۷۱ ق. از دنیا رفت.<sup>۲۸</sup>

#### د. جان آقا خانم، دختر مراد بیگ ترکمن؛

او بانویی صالح و صاحب نفوذ در دولت صفوی بود و از خانواده ای پرجمعیت و مشهور بود و در شهر مازندران، در سال ۱۰۳۲ ق. از دنیا رفت و به دستور شاه عباس صفوی، پیکرش برای خاک سپاری به کربلا منتقل شد. وی پس از قتل شاه اسماعیل دوم و شکست توطئه قتل شاه عباس، به خدمت او پرداخت و مورد اعتماد و احترام بسیار شاه عباس بود و از فرط علاقه ای که شاه عباس به این بانوی شایسته داشت، گاهی او را با عنوان «مادر»، مورد خطاب قرار می داد. او، همسر علی قلی بیگ شاملو بود.<sup>۲۹</sup>

#### ۴. دکتر سید محمد علی شهرستانی؛

آخرین شخصیتی که بر اساس تاریخ فوت، نامش در کتاب آمده دکتر سید محمد علی شهرستانی است که در سال ۱۴۳۲ ق. برابر با ۱۳۹۰ ش. از دنیا رفت و در حرم مطهر امام حسین علیه السلام به خاک سپرده شد.

نسب وی به امام موسی کاظم علیه السلام می‌رسد و از خاندان بزرگ شهرستانی است و سید ابراهیم شهرستانی و سید هبه الدین شهرستانی، از اجداد وی می‌باشند.

دکتر شهرستانی یکی از بزرگ‌ترین مهندسين معماری در جهان بود و خدمات شایانی را در عتبات مقدس ایران و عراق ارائه کرد.

ساخت طبقه دوم حرم امام حسین علیه السلام، بازسازی حرم عسکریین در سامرا، بعد از حادثه انتحاری سال ۱۳۸۶ شمسی، شرکت فعال در طرح توسعه حرم کاظمین و نیز حرم امام رضا علیه السلام در مشهد مقدس، ساخت مرکزی برای نشر تشیع در بمبی هند به نام آیه الله خویی، تاسیس دانشگاه جهانی اسلامی در لندن، از خدمات وی محسوب می‌شوند.

#### پی‌نوشت‌ها:

۱. ابن منظور، لسان العرب، واژه رقد.
۲. مانند مرقد امام خمینی.
۳. یس، آیه ۵۲.
۴. لسان العرب، واژه دفن.
۵. ارشاد القلوب الی الصواب، ج ۱، ص ۲۵.
۶. گاهی از آن به حائر الحسین و مشهد الحسین نیز یاد می‌شود.
۷. فیروز آبادی، قاموس المحيط، واژه حیر.
۸. معجم البلدان، واژه حیر.
۹. تاج العروس، واژه حیر.

۱۰. یمامه، فلاتی کوهستانی در نجد عربستان که در شرق حجاز واقع شده است.
۱۱. تعیین محدوده حائر شریف حسینی از دو جهت اهمیت دارد؛ یکی از جنبه فقهی و مربوط به قصد و اتمام نماز در حائر است که در این مورد مثل مساجد کوفه، مکه و مدینه است و دوم از جهت موضوع کتاب حاضر که مربوط به راقدون در حائر است.
۱۲. بحرانی، الحدائق الناظره، ج ۳، ص ۳۴۵.
۱۳. مفید، الارشاد، ص ۱۲۶.
۱۴. مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۱۱۷ - ۱۱۸.
۱۵. ابن فهد حلّی، متولد ۷۵۷ ق. از فقیهان بزرگ شیعه می‌باشد. فاضل مقداد و علی بن محمد بن مکی (فرزند شهید اول)، از استادان وی می‌باشند. ابن فهد آثار قلمی زیادی نیز از خود به یادگار گذاشته که برخی از آنها عبارتند از: تاریخ الاثمه، شرح ارشاد علامه حلّی، شرح الفیه شهید اول، و رساله ای در نجوم. او در سال ۸۲۶ ق. به جبل عامل سفر کرد و به روستای جزین رفت؛ تا از فرزند شهید اول، اجازه روایت بگیرد. وی در جلسه مناظره ای که از طرف حاکم بغداد بر پا شد، توانست حقانیت شیعه را اثبات کند. ابن فهد در سال ۸۴۱ ق. از دنیا رفت و در باغ نقیب علویین کربلا به خاک سپرده شد.
۱۶. مانند مقبره خانوادگی آل صالح گدا علی بیگ که در حقیقت یکی از اتاق‌های خانه دیوار به دیوار ایشان با حرم امام حسین علیه السلام بوده است.
۱۷. کشک خانه، کلمه ای فارسی است که از کشک و خانه ساخته شده و کشک هم در اصل به معنای کوچک بوده است. بنابراین، کشک خانه، نام دو مکان کوچک در حرم بوده که یکی مقابل دری است که به مرقد حبیب بن مظاهر اسدی باز می‌شده و دیگری مقابل دری بوده که به ضریح سید الشهداء منتهی می‌شود.
۱۸. محمد بن محمد مفید، کتاب المزار، ص ۱۴۲؛ ابن قولویه، کامل الزیارات، ص ۴۵۶.
۱۹. شیخ بهایی، کشکول، ص ۱۰۳.
۲۰. نقل است که وقتی او برای اولین مرتبه وارد روضه منوره حسینی شد، عرض کرد: «السلام علیک یا ابی»؛ یعنی سلام بر تو ای پدرم! در این هنگام از جانب قبر مطهر جواب آمد که و علیک السلام یا ابی؛ یعنی سلام بر تو ای فرزندم.
۲۱. عثمان بن عسی از طایفه بنی کلاب و فرزند عبید بن رواش بود که به او کلابی و رواسی و عامری هم گفته شده است. او یکی از وکیلان و معتمدین حقوق مالی و وجوهات امام موسی کاظم علیه السلام بود؛ اما پس از شهادت امام علیه السلام، واقفی مذهب گردید و همه اموالی را که در دستش بود، پیش خود نگه داشت. وقتی این خبر به امام رضا علیه السلام رسید، امام او را نفرین کرد و از او اعلام نارضایتی نمود. عثمان بن عسی

که خود را میان بهشت و جهنم می‌دید، سرانجام راه درست را برگزید و توبه کرد و اموالی را که جمع کرده بود، برای امام هشتم علیه السلام فرستاد.  
پس از این توبه، او در خواب دید که در حائر و حرم حسینی می‌میرد، و به همین دلیل، کوفه را ترک کرد و در کربلا اقامت نمود؛ تا این که از دنیا رفت و در همان جا به خاک سپرده شد.  
وی اهل قلم نیز بود و آثاری را به رشته تحریر در آورد؛ البته این کتاب‌ها به دست ما نرسیدند و ما به واسطه ابن شاذان که راوی هم عصر اوست، از وجود چنین کتاب‌هایی مطلع شده ایم (اختیار معرفه الرجال، ص ۵۹۷).

۲۲. ص ۲۹۸.

۲۳. معروف به مشهد نقطه.

۲۴. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۲۳.

۲۵. مناقب، ج ۴، ص ۱۰۲.

۲۶. مدینه الحسین، ج ۲، ص ۵۷.

۲۷. تاریخ المراقد، ج ۲، ص ۱۲۷ و ۳۲۶.

۲۸. الحوادث الجامعه، ص ۱۰۴.

۲۹. حسن شاملو، احسن التواریخ، ص ۵۴۲ و ۳۴۰.